

ترجمه : مهدی پیشوائی



تاریخچه نفوذ اسلام در سریلانکا (سیلان)

تاریخ نفوذ و گسترش اسلام در سریلانکا از موضوعاتی است که در خور توجه مسلمانان و مبلغان اسلامی است زیرا این موضوع گواه صادق نفوذ اسلام در سرزمین‌های دور دست ، از راه مسالمت آمیز وبدون جنگ است . نفوذ اسلام در این جزیره بوسیله مسلمانانی که از همان نخستین سالهای پیدایش اسلام، روابط تجاری با این سرزمین داشته‌اند، نمونه زنده‌ای از جذابیت معنوی اسلام است زیرا این بازرگانان مسلمان که نمونه عملی امانت و وفاداری بودند مردم را با رفتار نیک خود عملاً به سوی این آئین دعوت می‌کردند ، چنان اثری در این زمینه از خود به جای گذاشتند که از هیچ سپاه مجهزی ساخته نیست.

سریلانکا از قدیمترین روزگاران، مرکز فعالیت بازرگانی بوده است و این از یک طرف بحکم موقعیت جغرافیائی این سرزمین است که مابین آفریقا و هندوچین قرار گرفته است و از سوی دیگر بواسطه شهرت ادویه و جواهرات آنست که نظردنیای قدیم را بسوی سواحل آن جلب نموده بود.

مردم عرب از نخستین ملت‌هایی هستند که با سریلانکا روابط بازرگانی داشتند و از روزگار قدیم ، این سرزمین را « جزیرهٔ یاقوت » می‌نامیدند و پیش از ظهور اسلام کشتی‌های تجار عرب سواحل هند و سریلانکا را دور زده رهسپار چین می‌شدند. ظهور و گسترش اسلام و فتح اسکندریه در سال ۲۵ هجری توسط مسلمانان،

تحرك تازه‌ای به فعالیت بازرگانی مسلمانان بخشید و در پرتو آن مسلمانان به اقیانوس هند تسلط یافتند و در حوزه این اقیانوس، جنبش بازرگانی بوجود آوردند. از اینجا است که می بینیم سریلانکا يك مرکز مهم بازرگانی میان شرق و غرب، چه پیش از اسلام و چه بعد از اسلام بوده است. مردم عرب مسلمان، در این فعالیت بازرگانی نقش مهمی ایفا کردند زیرا کالاهای بازرگانی از سریلانکا به « یمن » در جنوب این جزیره منتقل می شد و از آنجا با قافله‌ها به سوی مصر و سایر مناطق حمل می گردید.

پیش از پیدایش اسلام، بسیاری از بازرگانان عرب، در سریلانکا سکونت گزیده بودند و به همین جهت منابع تاریخی به وجود تعدادی از این بازرگانان و دریانوردان عرب در این منطقه از همان قرن اول هجری اشاره می کند.

« سلیمان ندوی » می گوید: پیش از آنکه مسلمانان در شمال هند، سکونت اختیار کنند، مناطقی در سریلانکا و جنوب هند در اختیار آنان بود.

منابع عربی تأکید می کنند که اسلام در دوران خلافت عمر، به سریلانکا رسیده است. « این شهر یاز » در کتاب خود « عجائب الهند » می نویسد:

« هنگامی که اهالی سریلانکا و مناطق مجاور آن، خبر پیدایش آئین اسلام را شنیدند شخص توانائی را انتخاب نموده وی را به جزیره العرب فرستادند تا گزارش موثقی از این آئین جدید بیاورد.

این فرستاده پس از يك سفر طولانی هنگامی به مدینه رسید که پیامبر (ص) رحلت نموده و دوران خلافت ابوبکر نیز سپری شده بود و عمر عهده دار خلافت بود. وی نزد عمر رفت و از تعالیم این آئین نوحاسته به گونه گسترده آگاه گردید ولی در جریان بازگشت از این سفر از دنیا رفت و خدمتگزار او، این رسالت را به اهالی « جزیره یاقوت » ابلاغ کرد. (۱)

« بلاذری » نیز به وجود عده‌ای از مهاجران مسلمان در سریلانکا در قرن اول هجری اشاره می کند وی در کتاب خود « فتوح البلدان » می نویسد:

هنگام حکمرانی حجاج، پادشاه جزیره یاقوت، گروهی از زنان مسلمان را که در کشور وی متولد شده بودند و پدرانشان که بازرگان بودند در گذشته بودند به عراق منتقل کرد. او می خواست از این رهگذر نزد حجاج تقرب پیدا کند.

علاوه بر این دسته از بازرگانان، نوع دیگری از هجرت مسلمانان به سریلانکا نیز وجود داشت. می گویند در طی قرن هشتم میلادی گروهی از هاشمیان به سریلانکا و جنوب هند، هجرت کردند و در نواحی مختلف این جزیره مستقر گردیدند. از اینجا می توان گفت که اینگونه مهاجرتها که گاه گاهی در اثر عوامل گوناگون رخ داد، بر تعداد اعراب

مسلمانی که قبلاً در این جزیره سکونت گزیده بودند، افزوده است.

در خلال قرن نهم و دهم (میلادی) تجارت مسلمانان پس از یک دوره رکود، مجدداً رونق یافت انواع پولهایی که در سریلانکا کشف شده و مربوط به این دو قرن است، این شکوفائی را نشان می دهد و از موقعیت تجاری ممتازی که مسلمانان از آن برخوردار بودند، حکایت می کند.

جهانگرد عرب « سلیمان تاجر » در سال ۸۵۰ م از سریلانکا دیدن کرده است، خاطرات وی از این مسافرت در کتاب « سلسله التواریخ » « ابویزید سیراقی » که او نیز در سال ۹۰۰ م به سریلانکا سفر کرده، محفوظ مانده است. هریک از « سلیمان تاجر » و « ابویزید سیراقی » از تعداد بزرگی از مسلمانان در سریلانکا و نیز موقعیت ممتازی که از آن برخوردار بودند، سخن به میان آورده اند.

جهانگرد دیگر عرب « مسعودی » نیز در سال ۹۳۰ م از سریلانکا دیدن کرده و وضع اهالی این سرزمین به ویژه مسلمانان را در کتاب خود « مروج الذهب » به گونه گسترده آورده است.

با آنکه جغرافی نویسان عرب مانند « جبرتی »، « ابن حوقل » و « مقدس » سریلانکا را ندیده اند اما در عین حال در تألیفات جغرافی خود اطلاعات گسترده ای در مورد این جزیره از قول دریانوردان و جهانگردان عرب که به این منطقه سفر کرده اند نقل نموده اند.

این اطلاعات، نفوذ اسلام در سریلانکا و نیز شکوفائی تجارت مسلمانان را در طی قرن دهم میلادی نشان می دهد، ولی بعد از قرن دهم بواسطه سقوط موقعیت سیاسی بغداد، ایران و مصر، در رأس قرار گرفتند، به همین جهت منابع تاریخی می گوید: پادشاه سریلانکا در سال ۱۲۸۳ م یک هیئت سیاسی به ریاست « حاج ابو عثمان » که یک عرب مسلمان بود بمنظور تحکیم روابط بازرگانی میان دو کشور، به مصر فرستاد و این موضوع میزان قدرت و شعاع نفوذی را که تجار عرب مسلمان در آن هنگام از آن برخوردار بودند، به روشنی نشان می دهد، نفوذ و قدرتی که در طی دو قرن یازدهم و دوازدهم م به اوج شکوفائی رسید. همزمان با این تحول و شکوفائی، تعداد مسلمانان ساکن سریلانکا افزایش یافت و پایه های آئین اسلام در این سرزمین استوار گردید.

یکی از مهمترین عواملی که در ایجاد و نگهداری این روابط تجاری با سریلانکا به مسلمانان کمک کرد و نیز به گسترش اسلام به وسیله آنان یاری نمود، روح تسامح و نرمشی بود که پادشاهان سریلانکا به آن آراسته بودند.

همه نویسندگان قدیمی عرب به این روحیه اشاره نموده اند. مثلاً « ادریس »

در کتاب خود « نزهة المشتاق » می گوید: از اعضای شورای سلطنتی در دربار سریلانکا

چهار نفر بودائی، چهار نفر مسلمان، چهار نفر مسیحی و چهار نفر یهودی بودند.

از این بالاتر اینکه مسلمانان از امتیاز خاصی برخوردار بودند، زیرا اختلافات آنان به دادگاههای خاصی محول می شد و توسط قضات و علمای مسلمان، بر اساس مقررات آئین اسلام به اختلافات آنان رسیدگی می شد و اصولاً مسلمانان مورد تقدیر و احترام پادشاهان محلی این جزیره بودند.

«این بطوطه» جهانگرد عرب و مسلمان نقل می کند: هنگامی که وی از سریلانکا بدین می کرده، محافظین و تخت روان و ویژه ای در اختیار او گذاشته اند و با آن به مناطق مختلف این جزیره سفر کرده است. این موضوع از روح دوستی و صفائی که مابین مسلمانان و پادشاهان محلی در آن هنگام حکمفرما بوده، حکایت می کند.

مسلمانان از این فرصت استفاده نمودند و با روش انسانی خود بهترین نمونه وفا و صداقت را جلوه گرساخته، و نمونه زنده روح اسلامی را بخوبی نشان دادند و همین رفتار آنان عامل مهمی بود که مردم را گروه گروه به سوی این آئین جلب می کرد.

یکی دیگر از عواملی که به گسترش اسلام در سریلانکا کمک کرد، علاقه استوار و ریشه داری بود که همواره مابین مسلمانان سریلانکا و مسلمانان جنوب هندوستان وجود داشت، مسلمانان عرب که در ساحل جنوبی و شرقی هندوستان سکونت گزیده بودند، مسافرتها ی منظمی به سریلانکا می کردند و طی آنها آئین اسلام را تبلیغ می نمودند و به وضع مسلمانان سریلانکا رسیدگی می نمودند. یکی دیگر از عواملی که باعث پیوند استوار مابین مسلمانان هندوستان و سریلانکا شده بود، این بود که هر دو بایک زبان تکلم می کردند.

در پرتو مجموع این عوامل، مسلمانان سریلانکا توانستند در خلال قرن سیزدهم و چهاردهم (میلادی) نفوذ فراوانی پیدا کرده از موقعیت ممتازی برخوردار گردند.

این بطوطه ضمن تشریح سفر خود به سریلانکا (که قبلاً به آن اشاره شد) و در سال ۱۳۴۴ م رخ داده، می گوید:

بطور کلی پایتخت سریلانکا تحت سیطره مسلمانان بود. و اگر این نفوذ ادامه می یافت، اکنون سریلانکا یک کشور اسلامی کامل بود ولی در قرن شانزدهم، سریلانکا شاهد آغاز نفوذ پرتقال و رقابت این کشور با مسلمانان در دریاها بود و سریلانکا به حکم موقعیت ممتاز خود یکی از هدفهای استعماری پرتقال بود و به همین جهت در سال ۱۵۰۵ م توسط این کشور اشغال گردید. (۱)

بقیه در شماره آینده

(۱) این مقاله در شماره ۴ سال ۱۲ مجله «الغرباء» که بزبان عربی در انگلستان منتشر می شود، چاپ شده است که با اندکی تلخیص ترجمه گردید. اصل مقاله بقلم یکی از دانشجویان مسلمان سریلانکا است.